



بیمارستان حضرت ولیعصر (عج)
شهرستان بوانات

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

ترجمه و تفسیر کامل قرآن

(سوره فاتحه)

مکی است، و دارای (7) آیه است.

وجه تسمیه : با توجه به این که فاتحه به معنای آغاز هرچیز است، این سوره را نیز

«فاتحه کتاب» نامیدند زیرا قرآن با آن افتتاح شده است، از طرفی این اولین سوره از

مصطفی شریف است که کاتبان قرآن آن را می‌نویسند و اولین سوره از کتاب مجید

الهی است که خواننده آن را تلاوت می‌کند؛ هر چند از نظر ترتیب نزول آیات، این سوره

اولین آیات نازل شده قرآن نیست.

سوره فاطمه دوازده نام دارد که مشهورترین آنها سه نام زیر است: «**فاطمه الكتاب**»،

«**أم الكتاب**» و «**سبع المثانی**». از دیگر نامهای مشهور آن «حمد»، «صلاة» و «واقیه»

میباشد.

فضیلت آن: در فضیلت این سوره احادیثی روایت شده است، از آن جمله حدیث شریف

ذیل به روایت بخاری و احمد از ابی سعید بن المعلی رض است که گفت: رسول خداص

به من فرمودند: «بدان، قبل از آن که از مسجد خارج شوی، تو را از بزرگترین سوره قرآن

آگاه فواهم سافت ابوسعید میگوید: رسول خداص دستم را گرفتند و همین که

خواستند از مسجد خارج شوند، گفتم: ای رسول خداص! مگر شما نگفتید که تو را از

بزرگترین سوره قرآن آگاه فواهم سافت؟ فرمودند: آری بزرگترین سوره قرآن: الحمد

لله رب العلمین است است؛ این همان سبع المثانی (هفت آیت تکرار شونده) و قرآن

عظیمی است که به من داده شده است». همچنین در حدیث شریف به روایت مسلم در

صمیمش و نسائی در سننش از ابن عباس رض، آمده است که فرمود: «جبرئیل ع نزد

رسول خداص بود که بناگاه آن حضرت ص از بالای سرفویش صدای را

((سبع المثانی یعنی: هفت آیه ای که قرائت آنها در نمازها تکرار می شود.

واقیه یعنی: نگاه دارنده))

شنیدند .جبرئیل نگاهش را به سوی آسمان دوفت و گفت: این دری
است که هم اکنون در آسمان گشوده شد و قبل از این هرگز گشوده
نشده بود. راوی ادامه می دهد : سپس، از آن درفشتهای نزد رسول
فداص فرود آمد و گفت: «:أبشیر بنورین قد أوتيتهما لم يؤتهما
نبي قبلك: فاطمة الكتاب وفواتيم سورة البقره، لن تقرأ مرفا منهما إلا
أوتيته.»

«مژده بادتو را به دو نوری که برایت داده شده و قبل از تو به هیچ پیامبری داده نشده
است؛ [آنها عبارتند از] فاطمه الكتاب و آیات پایانی سوره بقره. [این را بدان که] هرگز
هیچ مرفی از آنها را قرائت نمی کنی ، مگر آن که همان را داده می شوی.»

سوره فاطمه متضمن معانی قرآن کریم، مشتمل بر اصول و فروع دین، دربردارنده
اصول عقیده و عبادت و شریعت، راهنمایی به سوی درخواست هدایت از رب العالمین و

در فواست برکنار ماندن از راه منصرفان است.

بسم الله الرحمن الرحيم

از ابن عباس روایت شده است که فرمود: «رسول خدا ص نمی‌دانستند که چگونه میان

سوره‌ها فاصله قرار داده و آنها را از هم جدا کنند تا آن که: بسم الله الرحمن الرحيم بر

ایشان نازل شد». در حدیث شریف آمده است: «کل أمر ذی بال لم یبدأ ببسم الله فهو

أبتر: هرکار مهمی که به نام فدای عزوجل آغاز نشود، آن کار ابتر [بی‌فیر و برکت]

است». همچنین صحابه تلاوت کتاب خدا را با: (بسم الله الرحمن الرحيم) آغاز

می‌کردند، لذا تلاوت آن در آغاز هر سفر و عمل نیکی، مستحب است. خواندن آن در

آغاز وضوء نیز مستحب می‌باشد زیرا در حدیث شریف آمده است: «برای کسی که نام

خداوند را بر وضوء نبرد، وضوءی نیست». همچنین خواندن آن در هنگام ذبح - نزد امام

شافعی - مستحب است، ولی ائمه دیگر آنرا واجب شمرده‌اند. در هنگام غذا خوردن نیز

خواندن آن مستحب است زیرا در حدیث شریف آمده است: «قل بسم الله وکل

بیمینک وکل مما یلیک: وقتی می‌خواهی غذا بخوری، در آغاز آن بسم الله بگو، آن‌گاه

با دست راستت بخور و از آنچه در جلوی تو است بخور.» چنان‌که خواندن آن در هنگام

مقاربت جنسی نیز مستحب می‌باشد زیرا در حدیث شریف آمده است :

«لو أن أهدكم إذا أراد أن يأتي أهله قال: بسم الله، اللهم جنبنا الشيطان وجنب

الشيطان ما رزقتنا، فإنه إن يقدر بينهما ولد لم يضره الشيطان أبدا .»

«اگر یکی از شما آن‌گاه که می‌خواهد با همسرش همبستر شود ، بگوید: به نام خدا،

بار خدایا! ما را از شیطان دور بدار و شیطان را از آنچه روزی مان نموده‌ای (از فرزند) بر

کنار بدار؛ در این صورت اگر در میان آن دو فرزندی مقدر شود، شیطان هرگز نمی‌تواند به

او آسیبی برساند.»

«به نام الله بسیار بخشاینده و بسیار مهربان» الله: یعنی معبود بر حق؛ نام مقدس ذات

است که بر غیر وی اطلاق نگردیده. اصل آن «اله» است که بر خداوند هر معبودی - به

حق یا به باطل - اطلاق می‌گردید و سرانجام اطلاق آن بر معبود برحق غالب گشت. به

قولی: «الله» اسم اعظم الهی است زیرا به تمام صفات قدسی موصوف می‌شود؛

چنان‌که خداوند متعال فرموده است :

هو الله الذي لا اله الا هو العالم الخيب و الشهادة . هو الرحمن الرحيم .

«الله کسی است که معبودی جز او نیست، دانای نهان و آشکار است ، رحمان و رحیم

است... « [مشرر/ 22 _ 24].

ملاحظه می‌کنیم که در این دو آیه، تمام اسماء دیگر، صفات «الله» قرار گرفته اند. و از آنجا که جز فدای تبارک و تعالی کسی دیگر به نام «الله» نامیده نشده، لذا طبق قاعده برای «الله» در سخن عرب اشتقاقی سراغ نداریم بنابراین، اسم الله «جامد» است نه «مشتق» و این رأی اکثر اصولیان و فقها می‌باشد.

«رمن» و «رمیم»، دو اسم مشتق از رحمت - بر وجه مبالغه - اند، البته مبالغه «رمان» از «رمیم» در معنای رحمت بیشتر است. چنان که ابن جریر طبری در تفسیر آنها می‌گوید: «فداوند متعال بر تمام خلق رمان و به مؤمنان رمیم است». «اسم «رمن» نیز ویژه فداوند متعال می‌باشد که دیگران نباید بدان نامیده شوند. بنابراین، معنای اجمالی «بسم الله الرحمن الرحیم» این است: قبل از هر چیز، به نام فدای عزوجل و به یاد و تسبیح او آغاز می‌کنم در حالی که از او در تمام امور خویش یاری می‌جویم زیرا او پروردگار و معبود برحق است که رحمتش بر همه چیز گسترده است، نعمت دهنده نعمتهای بزرگ و کوچک تنها اوست و تنها بخشش و مهربانی و امسان اوست که فراوان، مداوم و مستمر است.

مکم آن: مالکی‌ها و منفی‌ها بر آنند که: «بسم الله الرحمن الرحیم» آیه‌ای از سوره فاطمه

و سایر سوره‌ها نیست، بلکه تنها آغازگر سوره‌هاست که فقط برای قراردادن فاصله میان سوره‌ها در ابتدای آنها نوشته شده است. اما شافعی‌ها و حنبلی‌ها برآنند که: «بسم الله الرحمن الرحیم» آیه‌ای از سوره فاطمه است، لذا خواندن آن در نماز واجب می‌باشد. از اختلاف فقهی یادشده که بگذریم، اُمت اسلام اتفاق نظر دارند بر این که: «بسم الله الرحمن الرحیم» بخشی از یک آیه در سوره «نمل» است :

انه من سلیمان و انه بسم الله الرحمن الرحیم

«این نامه‌ای از جانب سلیمان است و این نامه به نام خداوند بفتایشگر مهربان است

[«نمل / 30.]

الممد لله رب العلمین

«جمله ستایش‌ها شایسته خداوند است» ممد: ثنا و سپاس زبانی است که جهت تفضیل و برتری دادن گفته می‌شود. فرق در میان «ممد» و «شکر» یکی در این است که ممد فقط به زبان است، اما شکر هم به زبان، هم به قلب و هم به سایر اعضا می‌باشد. دیگر این که شکر فقط در برابر نعمت است، ولی ممد به جهت کمال محمود می‌باشد؛ هر چند در برابر نعمتی نباشد. و از آنجا که هیچ موجودی در ذات، صفات و اسماء از فدای

عزوجل کاملتر نیست و هیچ نعمتی نیست مگر این که مستقیماً یا به واسطه، به آن

ذات متعال برتر برمی‌گردد، پس در حقیقت تمامی ممد‌ها و شکرها سزاوار اوست و تنها

او مالک هر ممد و شکر است. درمدیث شریف آمده است: «أفضل الذكر لا إله إلا

الله، وأفضل الدعاء الممد لله: بهترین ذکرها لا اله الا الله و بهترین دعاها الممد لله

است». آری همه ستایشها از آن خداوندی است: «که رب عالمیان است» رب: به

معنی پروردگار، مالک، سرور، سالار، مصلح، مدبر و معبود؛ اسمی از اسمای خداوند

متعال است و برغیروی - جز با قید و اضافه - اطلاق نمی‌شود؛ مثل این که بگویی:

«هذا الرجل رب المنزل: این مرد رب (صاحب) منزل است». «عالمین» جمع عالم؛

عبارت از هر موجودی غیر از خداوند متعال است. بعضی برآنند که عالم مجموعه

موجودات عاقل است که شامل چهار نوع انس، جن، فرشتگان و شیاطین می‌شوند. بر

اساس این تعریف؛ به حیوانات و چهارپایان، عالم گفته نمی‌شود.

الرحمن الرحيم

«بسیار بخشنده و بسیار مهربان است» تفسیر این آیه در توضیح معنای: «بسم الله

الرحمن الرحيم» بیان شد. و از آنجا که در اوصاف خداوند متعال به رب العلمین .

معنای تفویف و هیبت وجود داشت، پروردگار مهربان، آن آیه را به: الرمن الرمیج که متضمن ترغیب و تشویق است، متصل سافت تا به این ترتیب، در بیان صفات فویش، معنای بیج و هراس را با رغبت و امید همراه و یکجا گرداند زیرا این دو معنی در کنار یکدیگر، انگیزه بهتری برای بندگان در اطاعت و فرمانبرداری از او پدید می‌آورند.

مالک یوم الدین

«مالک روز جزاست» در قرائت دیگری، «ملک» نیز خوانده شده و هر دو قرائت: «ملک و مالک» صمیج و متواترند. اما بعضی گفته‌اند: «ملک» عامتر و بلیغتر از «مالک» است زیرا فرمان ملک بر مالک در ملک وی نافذ می‌باشد و او نمی‌تواند جز با نظر و رأی ملک در ملک فویش تصرف کند. برخی دیگر گفته‌اند که: «مالک» بلیغتر است زیرا خداوند متعال مالک مردم و همه جهانیان می‌باشد. ولی صمیج‌تر این است که تفاوت در میان دو صفت نسبت به پروردگار سبحان این است که: ملک وصفی برای ذات او تعالی است، در حالی که مالک وصفی برای فعل او می‌باشد.

یوم الدین: روز محاسبه و جزاست از سوی پروردگار سبحان برای بندگانش. قتاده می‌گوید: در آن بندگان فویش را در برابر اعمالشان « Ψ یوم الدین: روزی است که

خداوند می‌گوید: «یوم‌الدین: روز حساب فلایق است کثیر یا پاداش می‌دهد». ابن عباس که پروردگار متعال آنان را در برابر اعمالشان جزا می‌دهد؛ اگر اعمالشان فیر بود، پاداش فیر و اگر شر بود، به آنها کثیر شر می‌دهد، مگر آنان که مورد بفتش حق تعالی قرار گیرند». در حدیث شریف آمده است: «زیرک و هوشیار کسی است که نفس خویش را مورد محاسبه قرار داده و برای بعد از مرگش تلاش و کوشش نماید.»

ایاک نعبد و ایاک نستعین

«تنها تو را می‌پرستیم و تنها از تو یاری می‌خواهیم» یعنی: فقط تو را به عبادت واستعانت مخصوص می‌گردانیم، نه غیر از تو را نمی‌پرستیم و نه از غیر تو یاری می‌خواهیم. عبادت: در لغت، به معنای نهایت فروتنی و تذلل است. و در اصطلاح شریعت: عبارت از عملی است که جمع‌کننده هر دو معنای محبت و فروتنی کامل، و خوف و بیم باشد.

به‌کاربردن دو فعل «نعبد» و «نستعین» به صیغه جمع، به قصد نشان دادن تواضع و فروتنی از سوی بندگان است، نه به این معنی که آنان خود را تعظیم کرده و بزرگ داشته‌اند. گویی که بنده به قصور و کوتاهی خویش از ایستادن به تنهایی در پیشگاه

فداوند بزرگ اعتراف نموده و می‌گوید: بار فدایا ایستادن به تنهایی در آستان مناجات تو سزاوار شأن من نیست، بدین خاطر، به سایر مؤمنان پیوسته و قطره‌ای از اقیانوس ایشان می‌شوم، پس دعایم را با ایشان بپذیر و مقدم ساختن عبادت بر استعانت، به این سبب است که اولی وسیله‌ای برای درخواست دومی می‌باشد.

ابن عباس رض در تفسیر: ای‌ک نعبد می‌گوید: «پروردگارا! فقط تو را به یگانگی می‌خوانیم و فقط از تو می‌ترسیم نه از غیر تو و بر طاعتت و بر کلیه امور خویش، فقط از تو یاری می‌خواهیم». قتاده می‌گوید: «فداوند در این آیه به بندگان دستور می‌دهد تا عبادت را فقط برای او خالص گردانیده و در امور خویش فقط از او یاری بخواهند.»

اهدنا الصراط المستقیم

«ما را به راه راست هدایت فرما» راهی که ما را به سرمنزل انس و قرب تومی‌رساند. هدایت: عبارت است از: ارشاد، یا توفیق، یا دلالت و راهنمایی. اما شفاف راه یافته و هدایت شده‌ای که از پروردگار متعال طلب هدایت می‌کند، این درخواستش به معنای طلب افزودن بر هدایت وی است، چنان‌که فداوند متعال می‌فرماید :

والذین اهدوا زادهم هدی

«و کسانی که هدایت یافته‌اند، خداوند بر هدایتشان افزود.» [47/17]

صراط مستقیم: راه روشن اسلام است که هیچ کجای در آن نیست، همان راهی است

که پیامبران $\ddot{\text{}}$ بدان برانگیخته شدند تا سرانجام خداوند متعال رسالت فاطمه را

پایان بخش رسالت‌هایشان گردانید. گفتنی است که صراط مستقیم دربرگیرنده همه

اموری است که انسان را به سعادت دنیا و آخرت نایل می‌گرداند؛ اعم از عقاید، احکام،

آداب و غیره. در حدیث شریف به روایت نواس بن سمعان آمده است که رسول خداص

فرمودند: «خداوند برای صراط مستقیم مثلی را آورده است. بدین گونه که بر دو پهلوئی

صراط دو دیوار است که در آنها دروازه‌هایی گشوده شده و بر آن درها پرده‌هایی آویخته

شده و بر سر در صراط، دعوتگری است که می‌گوید: هان ای مردم! همگی در صراط داخل

شوید و کج نروید. و دعوتگر دیگری است که در بلندای صراط قرار گرفته، و چون انسان

بخواهد تا قسمتی از این درها را بگشاید، به او می‌گوید: وای بر تو! آن را باز نکن، که

اگر باز کنی قطعا به آن وارد می‌شوی. بنابراین، صراط اسلام است، دو دیوار، مدود الهی

و درهای باز شده است و دعوتگری که بر ممرمات وی‌اند، دعوتگری که بر سر صراط

است، کتاب خدا بلندای صراط است، واعظ و اندرزگوی الهی در قلب هر مسلمانی

است.»

علما گفته‌اند: «فداوند متعال برای انسان پنج محور هدایت عنایت فرموده که او

می‌تواند با توسل به این محورها، به قله سعادت جاودانی نایل آید:

1- هدایت الهام فطری: که انسان از ابتدای تولد از آن برخوردار می‌باشد، چون احساس

نیاز به غذا و نوشیدنی.

2- هدایت هواس: که متمم و مکمل هدایت اول است. گفتنی است که انسان

و میوان هر دو در این دو نوع هدایت مشترکند.

3- هدایت عقل: که برتر از دو هدایت قبلی است.

4- هدایت دین: که هدایتی فطری ناپذیر است.

5- هدایت یاری و توفیق الهی: که مخصوص تر از هدایت دینی است.

و همین نوع افیر از هدایت است که فداوند متعال در این آیه ما را به خواستن دائمی

آن فرمان داده است.»

صراط الذین انعمت علیهم غیر المغضوب علیهم ولا الضالین

«راه کسانی که به آنان نعمت ارزانی داشته‌ای» این نعمت یافتگان گرامی،

همان کسانی هستند که در سوره « نساء » از آنان یاد شده است، جایی که خداوند

متعال می‌فرماید :

و من يطع الله والرسول فأولئك مع الذين انعم الله عليهم من النبيين والصديقين

والشهداء والصالحين وحسن أولئك رفيقا

«و هر کس از خدا و پیامبر اطاعت کند، در زمره کسانی است که خداوند به ایشان

نعمت داده است؛ اعم از پیامبران، صدیقان، شهیدان و صالحان و! آنهاچه همراهان و

دوستان نیکویی هستند. این فضلی است از جانب خدا و خدا دانایی‌بسند است»

[69/4]

«نه) راه) کسانی که مورد فتنه قرار گرفته‌اند» یعنی: ما را با گروهی قرار نده که از راه

مستقیم منحرف شده‌اند، گروهی که از رحمت تو دورند و به سبب آن که با وجود

شناخت حق از آن روی برتافته اند، به سخت‌ترین عذاب و شکنجه مبتلامی‌گردند. این

مغضوبان به قول جمهور علما و طبق فرموده رسول خدا ص، یهودیانند.

«و نه» راه «گمراهان». این گروه بر اساس فرموده رسول خدا ص - و به قول جمهور

علما - نصاری (مسیحیان) می‌باشند. یعنی از آنجایی که یهودیان حق را شناختند ولی

آگاهانه آن را فرو گذاشته و از آن روی برتافتند، سزاوار فتنه و غضب الهی گردیدند و از

آنجا که نصاری (مسیحیان) نیز از روی جهل و ناآگاهی، از راه حق منحرف شده و در مورد مقام و منزلت عیسی غلو و زیاده روی کردند، در گمراهی آشکاری قرار گرفتند.

«آمین یعنی: خداوندا! دعایمان را اجابت کن. در حدیث شریف به روایت عایشه رضی الله عنها آمده است که رسول فداص فرمودند :

«ما مسدتکم الیهود علی شیء ما مسدتکم علی السلام والتأمین.»

«یهود بر هیچ چیز دیگر، به اندازه سلام گفتن و آمین گفتن بر شما مسد نوزیده اند.»

باید دانست که «آمین» دعا بوده و از کلمات و آیات قرآن نیست. البته آمین گفتن

بعد از خواندن سوره فاطمه سنت است، به دلیل این حدیث شریف: «هنگامی که امام

آمین می گوید، شما نیز آمین بگویید زیرا هر کس آمین گفتنش با آمین گفتن

فرشتگان همراه گردد، گناهان گذشته اش آمرزیده می شود.»

نظر احناف و مالکی ها این است که: آهسته خواندن آمین از بلند خواندن آن بهتر

است. اما شافعی ها و حنبلی ها بر آنند که: آمین در نمازهای سری آهسته و در نمازهای

جهری بلند خوانده شود و مقتدی نیز در گفتن آمین با امامش همراهی کند.

علمای اسلام در باره مکم خواندن سوره فاطمه در نماز، بر دو نظرند. نظر احناف این

است که مطلق قرائت قرآن در نماز - چه سوره فاطمه و چه غیر آن - به مقدار سه آیه

کوتاه یا یک آیه بلند فرض است بنابراین، خواندن سوره فاتمه در نماز فرض نبوده بلکه

واجب می‌باشد. (رای دومی: رای جمهور علما (مالکی‌ها، شافعی‌ها، حنبلی‌ها) است که

خواندن سوره فاتمه را در نماز فرض می‌دانند.

تفسیر انوار القرآن

*** تفسیر ادبی و عرفانی سوره قدر ***



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ ۱ وَمَا أَدْرَاكَ مَا لَيْلَةُ الْقَدْرِ ۲
لَيْلَةُ الْقَدْرِ خَيْرٌ مِّنْ أَلْفِ شَهْرٍ ۳ نَزَّلْنَا الْمَلَائِكَةَ وَالرُّوحَ
فِيهَا بِإِذْنِ رَبِّهِمْ مِّنْ كُلِّ أَمْرٍ ۴ سَلَّمَ هِيَ حَتَّىٰ مَطْلَعِ الْفَجْرِ ۵

إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ

ما در تعظیم شب قدر، از آسمان قرآن فرو فرستادیم و به وی پاک و بیخام راست

عالمیان را از خیرات و برکات این شب خبر دادیم .

اندر این شب بهشت جاوید و فردوس برین درها را باز نهاده و ساکنان آن بر تفتها
نشسته و روح پیمبران و ولیان و شهیدان را مق فرا طرب آمده

, نسیم روح ازلیت بر دل دوستان می وزد و باد فوش فردانیت به جان عاشقان می رسد .

و از سوی دوست قطاب می رسد :

استغفار کنندگان کجایند ؟

جوانمردان شب فیز که در ارزوی وصل ما بی فواب و بی آرام بوده اند و در راه عشق ما
شربت بلا نوشیدند کجایند ؟

تا ما فستگی ایشان را مرهم نهیم و اندرین شب قدر ایشان را با قدر و منزلت باز
گردانیم !

که امشب شب نوازش بندگان است , هنگام پذیرفتن توبه گناهکارانست !

وعده گاه آشتی جویان است , هنگام ناز شیفتگان و راز دوستان است .

در تمام شب قدر داعیان را اجابت و سائلان را عطیت و مجتهدان را معونت و مطیعان را مثوبت و عاصیان را مغفرت و محبان را کرامت است

تَنْزَلُ الْمَلَائِكَةُ وَالرُّوحُ فِيهَا بِإِذْنِ رَبِّهِمْ مِّنْ كُلِّ أَمْرٍ

فرشتگان از آسمان به زمین آیند و جبرئیل در پیش ایستاده، چهار علم با خود آورند
ایکی بر باه کعبه، یکی بر طور سینا، یکی بر صفره قدس،
و یکی بر سر روضه مصطفی بر افرازند .

آن شب فرشتگان با جبرئیل به همه خانه های مومنان در آیند، هر جا می و می فواره
ای باشد یا عاق پدر و مادر یا کسی که نماز نکند یا در خانه سگی باشد، یا دو مسلمان
که با یکدیگر به هجرت باشند و با هم سخن نگویند! فرشتگان در آن خانه ها وارد نشوند
و اهل آن از فیرات و برکات آن شب محروم باشند!

و هر گاه مومنی را در آن خانه ها در نماز ببینند بر او سلام کنند و اگر مومنی در خواب
بود در او به رحمت نگرند .

در آن شب جبرئیل چندان رحمت بر مومنان پخش کند که زیادت آید و
چون زیاد آید پرسد خداوند: زیادتی را چه کنم؟ فرمان آید که سزاوار کره ما نباشد که
رحمت خود را که به خلق فرستادیم باز بریم آن را میدار تا مجاهدین راه حق، کافران را

هزیمت دهند و فرزندان آنان را اسیر آورند ان گاه رحمت ها را به فرزندان کافران ده و آنها را بهره مند کن باشد که به برکت این رحمت ایمان آرند .

چون شب قدر صبح شود جبرئیل فرشتگان را بانگ زند که رمیل رمیل باید به آسمانها باز گردیم . فرمان از آفریننده جهان رسد که هنوز هنگام بازگشتن نیست که شما خفتگان امت محمد را سلاهِ نکرید ، گروهی هنوز در خوابند صبر کنید تا بیدار شوند و ایشان را سلاهِ کنید !

پس از ان از سوی مق ندا اید که : ای مقربان درگاه گواه باشید که از امت محمد هر که مطیع و فرمان بردار بود طاعتش را پذیرفتم و هر چه گناه کار و نافرمان بود (به شفاعت مصطفی) آنان را به مطیعان بخشیدم .

سَلَامٌ هـِمْ مَاتَ مَطْلَ عِ الْقَبْرِ

مکرمات آمدن فرشتگان و سلاهِ بر مومنان و مطیعان ان است که رسول خدا گفت: فدایا می ترسم که چون مرا از میان امت برداری

بر آنان عذاب فرستی که فرمودی تا تو میان امت هستی عذاب
نفرستم!

ندا آمد که تا امت تو استخفار می کنند عذاب نمی فرستم هم چنین
تا رسول ایشان به حضرت من است عذاب کردن امت از کره من به
دور!

رسول خدا از شنیدن این بشارت شاد شد و دل او فوش گشت. آنگاه
پیش خود اندیشید که اگر گروهی از امت من در آموزش فواستن
(استخفار) کوتاهی کنند ترسم که خدا بر آنان عذاب فرستد!

جبرئیل آمد و گفت: خداوند از اندیشه دل تو آگاه است می گوید دل
فوش دار که پس از مردن تو تا روز رستافیز هر شب قدر جبرئیل را به
زمین فرستم تا امت تو را یگان یگان سلام کند.

ای محمد تا سلام تو به ایشان می رسد عذاب نکرده تا جبرئیل هم در
شبهای قدر می رود و سلام می رساند عذاب نفرستم.

((خداوند در دو وقت بندگان را به فرشتگان عرضه کند یکی در
موسم عرفات و شب دوم شب قدر است))

در شب قدر مومنان بر طاعت بیفزایند و عاصیان از معصیت باز
ایستند، از دست ها بوی مصحف و از زبانها بوی تسبیح و از شکمها
بوی گرسنگی آید! او از هفت اندام بوی طاعت و عبادت آید.

مهر مهر در دل نهاده فواست خود به غارت اندوه داده یک سر به خدمت ما پرداخته اند و این ها که شما فرشتگان آنها را مفسد در زمین می گفتید! و من جواب دادم که از اینان من چیزهایی می دانم که شما نمی دانید .

امشب که مقربان حق به بندگان میسرانند و انوار رحمت بر سر امت محمد می افشانند و طاعت‌های با تقصیر را می پذیرند و معصیت‌های بی شمار را می آمرزند بیایید تا ما نیز نیاز خود عرضه کنیم و همگی یک دل و یک زبان گوییم :

خداوند! به حرمت سید مفتار و به حرمت پرهیزگاران لبرار و به حرمت مهاجر و انصار که ما را درین شب بزرگوار از خلعت رحمت و مغفرت نصیب تمام ارزانی فرما و گناهان ما را درگذر و همه را به جوار رحمت خود برسان یا جلیل و یا جبار یا کریم و یا غفار برممتک یا ارحم الرحمین

بناخ خداوند بخشنده و مهربان

چه قران عظیم والشان را ، ما
همی نازل شد از این رو در آنجا

چه چیزی بر بزرگی شب قدر
که باشد از هزاران ماه، در صدر

به اذنش چون فرشته ها در این شب

به هر فرمان، که نازل باشد از رب

شبی باشد سراسر از سلامت

که تا صبح طلوعش گشته رهمت

